



The Methodology of Discovering Fake narrations in of Ayatollah Sistani's Thoughts*

Mohammad Javad Enayatirad^۱

Seyyed Masoud Mortazavi^۲

Ali Muhaddes Ardabili^۳

Abstract

Recognizing the correct narration for forged one has always been the concern of Hadith scholars. One of the ways to discover forged narrations is to analyze and investigate the motivations of the narrators for forgery. The main concern of this article is to express the opinions of Seyyed Ali Sistani in the methodology of discovering fake narrations and explaining its rules based on the motives of forgery. Although the motives of forgery have been mentioned sporadically in numerous articles and books, the discovery of rules based on a complete list of the motives of forgery has not been emphasized so far. Seyyed Ali Sistani, as one of the jurists familiar with the topics of Hadith science and especially the field of Hadith disputes, has opened the way for the recognition of forged traditions for the purpose of resolving Hadith disputes by presenting a list of reasons for falsification. This research, in addition to explaining his foundations, by citing evidences from Hadith scholars and examples of Hadiths, investigates and develops the factors and motivations mentioned by him and states rules for discovering fake traditions based on the motivations of forgery.

Keywords: Methodology, Forgery of Hadith, Differences in Hadith, Fake Narrations, Forged Hadith, Seyyed Ali Sistani.

*. **Date of receiving:** ۰۱/۱۱/۲۰۲۱, **Date of approval:** ۰۷/۰۶/۲۰۲۲.

۱. Assistant Professor, Department of Islamic Studies Teacher Education, Ferdowsi University, Mashhad, Iran; (Corresponding Author); (enayati-m@um.ac.ir).

۲. PhD Candidate, Department of Islamic Studies Teacher Education, Ferdowsi University. Mashhad, Iran; (Masoudmortazavi@mail.um.ac.ir)

۳. Assistant Professor, Department of Islamic Studies Teacher Education, Ferdowsi University, Mashhad, Iran; (tabanet@um.ac.ir).



مقاله علمی - ترویجی

روش‌شناسی کشف روایات مجعول در اندیشه‌های آیت‌الله سیستانی*

محمدجواد عنایتی‌راد^۱ و سید مسعود مرتضوی^۲ و سید محمود طباطبایی^۳

چکیده

شناخت روایت صحیح از مجعول همواره دغدغه حدیث‌شناسان بوده است. یکی از راه‌های کشف روایات مجعول، تحلیل و بررسی انگیزه‌های جعل در راویان است. دغدغه اصلی این نوشتار، بیان آراء سید علی سیستانی در روش‌شناسی کشف روایات مجعول و تبیین قواعد آن بر اساس انگیزه‌های جعل است. اگرچه انگیزه‌های جعل در مقالات و کتب متعددی به صورت پراکنده اشاره شده اما کشف قواعد بر اساس فهرستی کامل از انگیزه‌های جعل تاکنون مورد تاکید قرار نگرفته است. سید علی سیستانی همچون یکی از فقیهان آشنا به مباحث علم حدیث و خصوصا حوزه اختلاف احادیث با ارائه فهرستی از انگیزه‌های جعل، مسیر را برای شناخت روایات مجعول به هدف حل اختلاف احادیث گشوده است. این پژوهش، ضمن بیان مبانی وی، با استناد به شواهدی از اندیشمندان علم حدیث و مثال‌هایی از روایات، به بررسی و توسعه عوامل و انگیزه‌های مورد اشاره وی و بیان قواعدی برای کشف روایات مجعول بر اساس انگیزه‌های جعل پرداخته است.

واژگان کلیدی: روش‌شناسی، وضع حدیث، اختلاف حدیث، روایات مجعول، حدیث موضوع،

سید علی سیستانی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۰ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۳/۱۷.

۱. استادیار، گروه مدرسی معارف، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران؛ (نویسنده مسئول)؛ (enayati-m@um.ac.ir).

۲. دانشجوی دکتری مدرسی معارف، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران؛ (masoudmortazavi@mail.um.ac.ir).

۳. استادیار گروه مدرسی معارف دانشگاه فردوسی مشهد ایران؛ (tabanet@um.ac.ir).



مقدمه

شناخت انگیزه‌های جعل روایان علاوه بر طریقی برای کشف روایات مجعول، راهی مهم برای درک وضعیت و شرایط صدور روایات است و ما را با چالش‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و دینی عصر حضور امامان شیعه آشنا می‌سازد. آشنایی با فضای صدور روایات از عوامل تأثیر گذار در حل اختلاف میان احادیث است.

از سوی دیگر، کتبی که با عنوان موضوعات و به هدف جمع‌آوری روایات جعلی تدوین شده است، سرشار از روایات صحیح است که به بهانه جعلی بودن و یا در گرو اغراض سیاسی و دیگر اغراض با برچسب مجعول مورد خدشه قرار گرفته است. (ابن جوزی، الموضوعات، ۱۳۸۶: ۴/۲) با شناخت انگیزه‌های جعل روایان، می‌توان احادیث صحیح را شناخت و امکان بهره‌گیری راستین از معارف دینی را حاصل نمود.

پیرامون انگیزه‌های جعل که دغدغه اصلی این نوشتار است، مطالب فراوانی در کتب و مقالات علمی بازتاب یافته است که گرچه هر کدام به صورت مستقل و با تکیه بر شواهد تاریخی، به قسمتی از انگیزه‌های تأثیرگذار در پدیده جعل پرداخته‌اند، اما نگاه جامع و کلانی که منتج به روش‌شناسی کشف روایات مجعول بر اساس انگیزه‌های جعل گردد، وجود نداشته است.

سید علی سیستانی بر خلاف رویه متداول در کتب فقهی، در کتاب «تعارض الأدلة و اختلاف الحدیث» که توسط سید هاشم هاشمی از درس وی تقریر شده است، در بخش مربوط به تأثیر پدیده جعل در اختلاف حدیث، فهرستی از انگیزه‌های جعل را ارائه داده است.

وی گرچه به صورت مستقل و با هدف کشف قواعد شناسایی روایات مجعول، به انگیزه‌های جعل پرداخته است، اما در مقدمه بحث، نقش شناخت و تحلیل انگیزه‌های جعل روایات را در کشف احادیث جعلی و حل تعارض روایات مهم و کاربردی میداند (سیستانی، ۱۳۹۸: ۴۳۲/۱).

پدیده جعل در روایات گاهی به صورت خطا و نقصان سهوی راوی رخ می‌دهد (طوسی، ۱۳۶۴: ۱۳۴/۱) که سبب آن مجموعه عواملی است که موضوع پژوهش در این نوشتار نیست؛ در این مقاله صرفاً به جعل عمدی توسط روایان پرداخته می‌شود. همچنین کشف پدیده وضع در روایات چه به صورت عمدی و چه به صورت سهوی بر اساس قواعد مختلفی قابل تبیین است که در این مقاله فقط به قواعد کشف روایات جعلی بر اساس انگیزه‌های جعل پرداخته می‌شود.

مسئله مهمی که سید علی سیستانی به آن اشاره و سرفصل‌های آن را مطرح نموده است، اهمیت شناخت انگیزه‌های جعل روایات، است که در پرتو آن، شناخت روایات مجعول، و حل بسیاری از تعارضات میان احادیث ممکن گردد (سیستانی، ۱۳۹۸: ۴۳۱/۱-۴۵۱).

الف. انگیزه‌های جعل روایات

۱. انگیزه‌های نیکو (در نظر جعل‌کننده)

در کتاب «تعارض الأدله و اختلاف الحديث» سه عنوان مهم «الترغيب الى الخيرات و الترهيب عن الشرور»، «إثراء الفكر الاسلامي و الشيعي» و «الوضع بهدف ترويح بعض الانظمة الاقتصادية» میتوان با عنوان جامع انگیزه‌های نیکو تعبیر نمود (سیستانی، ۱۳۹۸: ۱/۱۳۸۱، ۴۴۰، ۴۴۸).

وقوع این عامل با توجه به شواهد تاریخی قابل اثبات است. برخی از عوامل توسط افراد زاهد و با حسن نیت صورت گرفته است اما برای رسیدن به مقصود و مطلوب از روشی نامناسب بهره برده‌اند و گویا گرفتار مغالطه و توجیه وسیله توسط هدف شده‌اند. افرادی از اهل سنت و شیعه با هدف دعوت مردم به خوبی‌ها و ترک بدی‌ها و عمل به فریضه امر به معروف و نهی از منکر، دست به جعل روایات زده و این فعل خویش را از مصادیق کارهای نیکو برشمردند (همان).

برای تأیید این واقعه، باید توجه نمود که در کتاب «اضواء على السنة المحمدية» (ابوریة، ۱۳۷۵: ۱/۱۳۹) و همچنین کتاب «الغدیر» (امینی، الغدیر فی الکتاب و السنة و الأدب، ۱۳۷۲: ۵/۴۳۹) فصلی مستقل با عنوان «الوُضَاعون الصالحون» تنظیم گردیده است که اشاره به این واقعه تاریخی و مصادیق آن می‌نماید.

در این رابطه با جستجوی هدفمند در کتب تراجم راویان و کتب تخصصی موضوعات، می‌توان با فهرستی از روایانی که صالح و نیکوکار بوده اما پدیده جعل توسط آن‌ها رواج یافته است، آشنا گردید و روایات آن‌ها را با دقت بیش‌تر مورد ارزیابی قرار داد. از جمله عبدالحسین امینی در الغدیر به اسامی ۲۴ نفر از این روایان اشاره می‌نماید (امینی، ۱۳۷۲: ۵/۲۷۶).

عنوان دوم در کلام سید علی سیستانی یعنی «إثراء الفكر الاسلامي و الشيعي» اشاره به عده‌ای دارد که در راستای گسترش فکر اسلام و معارف شیعی معتقد بودند در بسیاری از مسائل می‌توان با ربط پدیده‌های مربوط به امور تکوینی و آفرینش به سخنان ائمه اطهار (علیهم‌السلام) موجب گسترش نفوذ اسلام شوند (سیستانی، ۱۳۹۸: ۱/۴۴۰). در این راستا سعی شده است با ذکر برخی تحلیل‌های تاریخی و بیان حکمت احکام بین پدیده‌های ظاهری خلقت همچون زلزله و دیگر شرور که دارای علت طبیعی هستند، ارتباطی با معصومین و گفتار آن‌ها ایجاد گردد (شوشتری، ۱۳۸۴: ۱/۲۱۶، ۲۱۷).

پدیده اسرائیلیات در تراث اسلامی با ظهور شخصیت‌هایی همچون کعب الاحبار به وفور دیده می‌شود و برخی از عالمان شیعی نیز این روایات را در کتب شان آورده‌اند (سیستانی، ۱۳۹۸: ۱/۴۴۰). نسبت دادن آموزه‌های دیگر فرهنگ‌ها به پیشوایان دینی همچون آموزه‌های اسرائیلیات، مسیحیات، جاهلیات، زرتشیات، فارسیات و یونانیات امری رایج بوده است و با نمونه‌های بسیار در میان انگیزه‌های جعل روایات مطرح است (امانی، ۱۳۹۵: ۱/۳۹).



عنوان سوم در کلام وی، «الوضع بهدف ترویج بعض الانظمة الاقتصادية» است (سیستانی، ۱۳۹۸: ۴۴۸/۱). عده‌ای از روات، که خود را منتسب به اسلام می‌نمودند، به جهت ترویج برخی مکاتب اقتصادی که آن‌ها را منجر به تحقق عدالت اجتماعی می‌دانستند، دست به جعل روایات می‌بردند. در میان مقالات و کتبی که به‌عنوان پیشینه نام برده شد، اشاره به این انگیزه نشده است و فقط در آثار سید علی سیستانی این عامل به درستی به‌عنوان انگیزه جعل نامبرده شده و از نوآوری‌های وی است. در تاریخ اسلام نظام‌های اقتصادی با نیت‌های مختلف توسط فرقه‌هایی از غلات، قرامطه، مزدکیه و خرمیه تشکیل شده است که در راستای تحقق اهداف خویش روایات متعددی جعل و وضع نمودند. به‌عنوان نمونه از محمد بن بشیر که از غالیان است نقل شده است که مواسات و پرداخت مالی در تمام دارایی‌های مکلفین لازم و واجب است (قهپایی، ۱۳۶۴: ۱۶۶/۵).

۲. انگیزه‌های ناروا

عنوان اول در ذیل انگیزه‌های ناروا با تعبیر «ما استهدف به هدم الاسلام و تضعیف معارفه و مبادئه الجلیلة المقدسة» به این عامل اشاره نموده است (سیستانی، ۱۳۹۸: ۴۴۳/۱). نابودی معارف اصیل دینی توسط فرقه‌ها و اشخاصی که در تاریخ از آن‌ها با عنوان غلات و زنادقه نام برده می‌شود سهم فراوانی در روایات مجعول دارد که ضربه‌ای مهلک بر پیکره معارف ناب اسلامی وارد نموده است. دومین عنوان در کتاب «تعارض الادله و اختلاف الحدیث» در قالب هفتمین انگیزه جعل با تعبیر «الوضع بهدف احیاء العادات و السنن الجاهلیة» بیان شده است و در ذیل آن به رویکرد و نقش یهود در گسترش عادات جاهلی پرداخته می‌شود. (سیستانی، ۱۳۹۸: ۴۴۹/۱).

عنوان سوم از انگیزه‌های ناروا که در کلام سید علی سیستانی بیان گشته است، «الوضع بداعی العامل القومي» است (سیستانی، ۱۳۹۸: ۴۴۴/۱). با وجود آن که تنها عاملی که در اسلام مزیت محسوب، و موجب برتری شخص و یا قومی بر دیگری می‌گردد تقوای الهی و امتیازات دینی افراد است، اما از صدر اسلام تا کنون در میان گروه‌ها و فرقه‌های اسلامی بر اساس معیارهای غیر الهی، ملاک‌هایی موجب امتیاز و تفاخر شمرده می‌شده است و بر همان اساس روایاتی جعل می‌گشته که حتی به کتب فقهی - فتوایی نیز سرایت نموده است (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۴/۲؛ نجفی، ۴۰۴: ۴۵۷/۲۲).

چهارمین عنوان که در کتاب «تعارض الادلة و اختلاف الحدیث» در قالب انگیزه سوم جعل بیان شده است «ما یقصد به مدح بعض المذاهب او بعض رجال المذهب و امثال ما یدکر فیها فضائل بعض الخلفا او تضعیف بعض الرجال و ذمهم او فی مدح رجال بعض المذاهب او ذمهم» (سیستانی، ۱۳۹۸: ۴۴۱/۱) است که عنوان مشیری برای اشاره به چندین نمونه از انگیزه‌های جعل است.

گرچه برشماری این انگیزه، به عنوان عاملی مهم در جعل روایات، صحیح است اما باید توجه شود که مدح و ذم مذاهب و رهبران آن نسبت به یکدیگر، قداست بخشی به رهبران اموی و عباسیه، جعل با هدف تردید در جانشینی پیامبر^ص، تأیید و قدح مذاهب کلامی و فقهی اهل سنت نسبت به یکدیگر، نزدیکی به پادشاهان و ملوک و مدح و ذم بلاد همه از مصادیق جعل به انگیزه مدح و ذم است (ابوری، ۱۳۷۵: ۱۸۱/۱) که در کلام سید علی سیستانی نسبت به بیان تفصیل آن‌ها، اشاره مختصر و ناکافی صورت گرفته است. برخی، از این عامل با عنوان انگیزه اختلاف اعتقادی نام برده‌اند (فلاته، ۱۴۰۱: ۲۲۵/۱). دیگران با عنوان انگیزه سیاسی نام برده و آن را مهم‌ترین انگیزه جعل برشمردند (کریمی و طاووسی مسرور، ۱۳۸۹: ۸۶).

۳. انگیزه‌های ذکر نشده در کتاب تعارض الادله

یکی از غرض‌هایی که در کلام سید علی سیستانی به صورت مستقل اشاره نشده است اما از اهمیت زیاد و وقوع قابل توجه برخوردار است، منفعت طلبی و دنیا خواهی است. در این عنوان وجه جامع مشترکی که شامل همه انگیزه‌های دنیوی است، در نظر گرفته شده است. در این رابطه جمله یکی از شیوخ خوارج که بعداً توبه نموده است قابل توجه است؛ او می‌گوید احادیث به منزله دین شما است، دقت نمایید که دین را از چه کسی دریافت می‌نمایید، زیرا (ما) هر گاه امری را به مصلحت خویش می‌دیدم، آن را به صورت حدیث جعل می‌نمودیم (ابن اثیر، ۱۳۸۹: ۱۳۶/۱).

عنوان دوم ذکر نشده، انگیزه وارونه سازی اسباب نزول آیات میباشد. این انگیزه در دو مقاله «جعل و تحریف در روایات اسباب نزول ۱ و ۲» (صدر، ۱۳۷۴: الف و ب) به طور خاص مورد پژوهش قرار گرفته است. جعل در اسباب نزول عبارت است از ارتباط سازی جعلی و نسبت دادن آیاتی از قرآن کریم به شخص و جریانی، که نقشی در شأن نزول آن نداشته است.

و تحریف در اسباب نزول یعنی انحراف سبب اصلی نزول آیه به اشخاص و جریانات دیگر به طوری که واقع و سبب نزول حقیقی مورد تردید واقع شود. افسانه غرانیق، ازدواج پیامبر^ص با زینب، سبب نزول سوره الضحی، جریان سحر پیامبر^ص، شان نزول سوره عبس، ایمان ابوطالب، تحریف‌های فراوان پیرامون حضرت علی^{علیه السلام}، جعل اسباب نزول در مدح خلفا، از جمله مصادیق جعل در روایات اسباب نزول است (صدر، ۱۳۷۴: الف/۸۷).



ب. قواعد کشف روایات مجعول

بر اساس انگیزه‌های ذکر شده در بخش اول و بر اساس عمومیت بخشی به آن در سایر روایات میتوان بر اساس مباحث مطرح شده در کتاب تعارض الادله، قواعدی را کشف نمود.
نکته قابل توجه در بررسی انگیزه‌های جعل به صورت قواعدی برای کشف وضع در احادیث، غالبی بودن جعل در صورت وجود این انگیزه‌ها و عوامل است بدین معنا که در صورت پیدایش زمینه و بستر این انگیزه‌ها غالباً پدیده وضع صورت می‌گیرد. قید غالبی بودن مانع به دست آوردن قواعد از انگیزه‌های جعل نمی‌گردد زیرا با بررسی شرایط روایت از حیث زمان، مکان، راوی و توجه به انگیزه خاص آن، به سهولت می‌توان به صورت قاعده غالبی، گزاره‌ای را تثبیت نمود.
در این راستا، ابتدا قواعدی را که از میان نظرات سید علی سیستانی قابل استخراج است، بیان می‌کنیم و پس از بررسی به بیان نواقص آن می‌پردازیم.

۱. روایات بیان‌گر فضیلت زیارت و آداب آن

اولین قاعده در زمینه کشف روایات مجعول، توجه به روایات بیان‌گر فضیلت زیارت و آداب مربوط به آن، و مقارنه روات آن‌ها با توصیفات کتب رجال است. این دست از روایات، زمینه‌ای برای جعل جاعلین حدیث بوده است و ممکن است حتی با قصد تعظیم شعائر جعل صورت گرفته باشد (سیستانی، ۱: ۱۳۹۸/۴۳۹).

این قاعده با رجوع به شرح حال برخی از راویان شیعه که در زیارات، یا احوالات ائمه علیهم‌السلام تألیف داشته‌اند، اما با وصف دروغگو و جعل‌کننده معرفی شده‌اند قابل تأیید است. از جمله این راویان می‌توان به عبدالرحمن الاصم (ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۷۶/۷۷) و ابن مالک فزاری (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱/۱۲۲) اشاره نمود.

۲. روایات مربوط به اصالت و یا تحریف آیات قرآن کریم

دومین قاعده، عرضه روایات بیان‌گر تحریف تصحیف و یا ضعف استناد و اصالت قرآن کریم بر معتقدات قطعی و مبانی کلامی مسلم است چرا که این دست از روایات به وفور توسط اهل سنت و شیعه با دو قصد و رویکرد مختلف جعل شده است. اهل سنت با هدف مدح خلفاء و تاکید بر نقش آن‌ها در جمع قرآن این‌گونه بیان می‌نمایند که اگر چنین رویکردی وجود نداشت، اثری از آیات قرآن نمی‌ماند و علت اصلی حفظ قرآن، تجمیع آن به وسیله خلفا است (سیستانی، ۱۳۹۸: ۱/۴۴۴). در میان شیعه نیز برخی با ادعای حذف فضائل اهل بیت علیهم‌السلام و دیگر نکات اعتقادی ادعای تحریف و حذف برخی از آیات قرآن نمودند. البته این روایات مجعول مورد دقت علمای شیعه قرار گرفته و در کتب معتبر راهی پیدا نکرده است (سیستانی، ۱۳۹۸: ۱/۴۴۴).

به‌عنوان نمونه در میان روایات این مضمون به چشم می‌خورد که قرآنی که جبرئیل بر پیامبر^ص نازل کرد مشتمل بر ۷۰۰۰ آیه (کلینی، ۱۴۲۹: ۶۷۵/۴) و یا ۱۷ هزار آیه است و ثلث قرآن حذف شده است. (کلینی، ۱۴۲۹: ۶۳۴/۲). با توجه به این مطلب می‌توان تأیید نمود که یکی از قواعدی که در کشف روایات مجعول قابل استفاده است، دقت نظر در روایات موافق و یا مخالف انواع تحریف در متن و تلاوت قرآن است. اگرچه این روایات مشتمل بر روایات صحیح نیز می‌باشد اما با توجه به انگیزه شیعه و عامه در اثبات تحریف و یا عدم تحریف قرآن، بررسی این روایات با ملاک نقد سندی و متنی حائز اهمیت است. همچنین بر اساس عقائد اصیل شیعی می‌توان حکم نمود که روایاتی که در صدد اثبات تحریف در قرآن است، مجعول و غیر قابل تصدیق است.

۳. محتوای غلو آمیز و رویکرد غالبان

قانون سوم که از نظرات سید علی سیستانی استفاده می‌شود، تشکیک در صحت انتساب مطالب نزدیک به غلو، به اهل بیت^{علیهم‌السلام} است. یکی از خطرناک‌ترین تفکرات فرهنگی که در عصر امامان شیعه^{علیهم‌السلام} تشکیل شد، اندیشه‌های گروهی با عقاید افراطی به نام غلات است (سیستانی، ۱۳۹۸: ۴۴۶/۱). اگرچه ریشه این تفکر در یهود و مسیحیت دیده می‌شود، (رفیعی محمدی، ۱۳۸۱: ۲۵) اما این فرقه با ابزاری همچون ابراز حب و علاقه عمیق و فراوان به اهل بیت^{علیهم‌السلام} توانستند با جعل روایات فراوانی در دل جوانان و عوام جامعه نفوذ کنند و ضرر بسیاری را بر تشیع وارد نمایند. این اتفاق، با جعل احادیثی که مبلغ اعتقاداتی همچون الوهیت مخلوقات، نبوت ائمه معصومین و یا دیگر افراد، حلول، تناسخ، تشبیه، اعتقاد به تفویض و علم غیب مطلق امامان^{علیهم‌السلام}، اعتقاد به مهدویت برخی افراد، تاویل ناروا از آیات قرآن و توجیه احکام و فرائض دینی رخ داد.

در رابطه با اباحه‌گری در مناسک دینی در برهه‌هایی از تاریخ اسلام و تشیع، اندیشه‌ای شکل گرفته است که منجر به تعطیلی احکام و انجام مناسک می‌گردد. به‌عنوان نمونه این تعبیر به چشم می‌خورد که در صورت رسیدن به شناخت و عرفان، شخص در عمل و رفتار مطلق العنان است و گویا تمامی محرّمات، حلال می‌گردد. همچنین، ابزار تقلیل واجبات و محرّمات الهی به محبت و بغض قلبی، مورد سوء استفاده عده‌ای قرار گرفته است (سیستانی، ۱۳۹۸: ۴۴۶/۱).

۴. مدح و ذم مذاهب کلامی و فقهی

فراوانی روایات مجعول در راستای مدح و ذم مذاهب کلامی مقتضی تأسیس قاعده‌ای دیگر در راستای کشف روایات مجعول است و آن، لزوم تحقیق و تأمل دقیق‌تر، در شرح حال و قرائن همراه این روایات است (نک: سیستانی، ۱۳۹۸: ۴۴۲/۱).



چهارمین قاعده با مراجعه به روایات مجعول مذاهب متعدد، که بر اساس اعتقادات و مبانی کلامی، پدید آمدند قابل تصدیق است. معتزله در تأیید عقاید و اصول اعتقادی شان روایاتی را جعل نمودند. دیگر مذاهب نیز در رد عقاید معتزله همین رفتار را داشته‌اند (رفیعی محمدی، ۱۳۸۱: ۲۱). این نمونه‌ها فراوان است و می‌توان آن را پیرامون مذاهب دیگر همچون مرجئه دنبال نمود. در ارتباط با شیعه نیز روایات و یا حتی کتبی در ذم متکلمین برجسته، همچون هشام بن حکم و یونس بن عبدالرحمن تألیف شده است.

بر این اساس انشعابات کلامی و اعتقادی و مدح و ذم‌های صورت گرفته، در مظان پدیده جعل است و می‌توان از این طریق، بسیاری از روایات مجعول را کشف نمود. این نکته در میان منابع رجالی شیعه نیز پیرامون صحابه و راویان کلامی ائمه اطهار علیهم‌السلام به چشم می‌خورد و در این مجال جرح و تعدیل فراوانی پیرامون متکلمین شیعه صورت گرفته است (شمشیری و جلالی و ستایش، ۱۳۹۸: ۱۵۸-۱۶۹).

همچنین اهتمام به استخراج روایات مجعول در راستای تأیید یا رد مذاهب فقهی قابل بررسی است. سید علی سیستانی با تعبیر «الوضع من اجل ترویج مذهب فقهی معین» اشاره به برخی از روایاتی که در تأیید مذاهب فقهی صادر شده است می‌نماید (سیستانی، ۱۳۹۸: ۴۴۲/۱).

به‌عنوان نمونه حنفی‌ها در روایتی مجعول محمد بن ادریس را از ابلیس بدتر دانسته و ابوحنیفه را چراغ هدایت امت نامیدند. شافعی‌ها در قبال این روایت مجبور شدند حدیثی را به این مضمون جعل نمایند که عالم قریش زمین را از علم پر می‌نماید و مرادشان از عالم قریش شافعی است (سیستانی، ۱۳۹۸: ۴۴۲/۱). مالکی‌ها نیز در حدیثی امام شان را اعلم علمای اهل مدینه دانستند (سیستانی، ۱۳۹۸: ۴۴۲/۱).

احادیث مجعول پیرامون مذاهب فقهی اهل سنت مجرای تطبیق این قاعده است و بر این مدعا فیروز آبادی در «سفر السعادة» (۱۹۹۷م: ۲۷۴/۱) و عجلونی در «کشف الخفاء» (۱۴۲۰: ۴۲۰/۲) در باب فضائل ابوحنیفه و شافعی می‌گویند که این باب مطلب صحیحی ندارد و همه این موارد ساختگی و دروغ است. ابی‌درویش الحوت در «اسنی المطالب» به صورت قاعده‌ای مطلق می‌گوید: درباره مناقب و مثالب هیچکدام از پیشوایان مذهب، نص به خصوص چه صحیح و چه ضعیف وجود ندارد (حوت، ۱۴۱۸: ۲۴/۱).

۵. مدح و ذم افراد، اقوام و نژادها

توجه به روایات مدح و ذم پادشاهان یکی از قواعدی است که از میان نظرات سید علی سیستانی قابل کشف است؛ وی در ضمن انگیزه و عامل نهم با تعبیر «الوضع لاجل التقرب للملوك والخلفاء و تبریر ممارساتهم» اشاره به مدح و ذم راویان نزدیک به سلطان و دربار می‌نماید (سیستانی، ۱۳۹۸/۱: ۴۵۰).

مدح پادشاهان و تعریف و تمجید از عملکرد آنها صرفاً با هدف دنیوی و نزدیک شدن به خلفا و پادشاهان جور صورت گرفته است، و بدون شک، یکی از مهم‌ترین عوامل جعل روایات است. در تاریخ از راویان زیادی نام برده شده است که با نسبت دادن روایاتی به پیامبر اکرم | در مسائل متعدد جعل حدیث نمودند؛ مثلاً غیاث بن ابراهیم در مدح مهدی بن منصور و یا وهب بن وهب در مدح رشید از خلفای جور روایاتی را جعل نمودند (سیستانی، ۱۳۹۸/۱: ۴۵۰). بر اساس تصریح بسیاری از علما همچون ابن جوزی و ابوریه پیرامون جعلی بودن فضائل بنی امیه و بنی عباس، می‌توان پنجمین قاعده در کشف روایات مجعول را به دست آورد (کریمی و طاووسی مسرور، ۱۳۸۹: ۸۹) ابن‌قیم جوزی سلفی می‌گوید از جمله احادیث موضوعه، احادیثی است که در فضل معاویه جعل شده است (ابن‌قیم، ۱۳۹۰: ۱۱۶/۱) و به اقرار ابن‌تیمیه، افرادی که حدیث صحیح و ضعیف را تشخیص نمی‌دادند، روایات فضائل معاویه را در کتبی گرد آورده‌اند و همین سیاست به صورت گسترده توسط عباسیان دنبال گردید و روایات فراوانی در نقد و مذمت بنی امیه و یا فضیلت و امتیازات بنی عباس جعل گردید (مدیر شانه‌چی، ۱۳۶۲: ۹۹).

۶. روایات برتری عرب بر عجم و اقوام ممدوح و مذموم

قاعده ششم، تأمل در روایات بیان‌گر برتری عرب بر عجم و بالعکس است، چرا که در باب تعظیم عرب و تحقیر عجمیان و تقویت نگاه برتری جویانه عصر جاهلیت روایات فراوانی جعل شده است (سیستانی، ۱۳۹۸: ۴۴۲/۱).

با مراجعه به تحقیقات مرتبط، می‌توان صحت این قاعده را تأیید و مصادیق برتری از جمله هوش، ذکاوت و شجاعت را برای عرب دانستن، و نوعی بلاهت، بی فرهنگی و احتیاج را به عجم نسبت دادن از جمله این اقدامات دانست (حسینی کاشانی، ۱۳۹۴: ۹۳). روایات فراوانی از پیامبر | جعل شده است که مبعوض‌ترین کلام نزد خداوند فارسی است و یا زبان جهنمیان بخاری است و زبان بهشتیان عربی است (دمینی، ۱۴۰۴: ۳۴/۱).



قاعده هفتم طرد حداکثری روایات بیان‌گر اقوام ممدوح و منفور است (سیستانی، ۱۳۹۸: ۴۴۳/۱). به غیر از داستان عرب و عجم، ابوابی در کتب رجالی و حدیثی همانند کراحت ازدواج با برخی از اقوام همچون زنج، خزر، خوز، سند و هند که اسامی اقوامی در بلاد مختلف جهان است، به چشم می‌خورد. روایات در این رابطه فراوان است مثلاً از اختلاط و ازدواج با کردها منع شده است و آن‌ها را از اجنه برشمرده است (کلینی، ۱۴۲۹، ۱۵۴/۵). این پدیده و جعل روایات حتی در کتب فقهی نیز دیده می‌شود و حکم به کراحت معامله با کردها داده شده است.

یکی از اهداف پدیده وضع با چنین قصدی، بدبینی مردم به اهل بیت علیهم‌السلام است زیرا این روایات با نگاه نژادپرستی و قوم‌گرایانه به مکتب امامان شیعه علیهم‌السلام نسبت داده می‌شود و در نتیجه اقوام مورد ذم نسبت به تشیع بدبین می‌گردند و مقابله می‌نمایند (سیستانی، ۱۳۹۸: ۴۴۳/۱). بر اساس این قانون؛ هرگونه تفاخری بر اساس قومیت، جنسیت و زبان بر اساس آموزه‌های قرآنی و مقاصد شریعت مطرود است و ملاک برتری در اسلام، تقوا است (حجرات: ۱۳) و در نتیجه، تمامی روایات تقویت‌کننده عصبیت قومی و قبیله‌ای مطرود و مجعول شمرده می‌شود.

۷. راویان وابسته به اندیشه جاهلی و یهود

قاعده هشتم، سوء ظن به روایات راویان وابسته به یهود و اندیشه‌های جاهلی است. سید علی سیستانی ذیل عنوانی مستقل به رویکرد یهود در گسترش عادات جاهلی می‌پردازد (سیستانی، ۱۳۹۸: ۴۴۹/۱). این حقیقت غیر قابل انکار است که در گسترش سنن جاهلی، نقش یهود و راویانی که به اندیشه یهود وام دار بوده‌اند، قابل توجه است. به‌عنوان نمونه یهود گوشت شتر را به‌دلیل سواری دادن به انسان حرام می‌دانستند و شیخ صدوق به‌علت کشف ملاک وضع و جعل آن، روایتی که دلالت بر حرمت دارد را صحیح نمی‌شمارد (شیخ طوسی، ۱۳۶۴: ۸۹/۱). همچنین یهود عرق شخص جنب از حرام را نجس می‌دانند و بر اساس این تفکر روایتی در منابع شیعه نقل شده است که عرق جنب از حرام نجس است. اما فقها با توجه به مضمون آن و عدم ذکر این روایت در کتب قدما، حکم به جعلی بودن این روایت نموده‌اند (سیستانی، ۱۳۹۸: ۴۵۰/۱).

ج. سایر قواعد کشف روایات مجعول

آیت‌الله سیستانی در کتاب «تعارض الأدله» با هدف کشف قواعد روایات مجعول به انگیزه‌های راویان نگریسته‌اند و تلاشی که در بخش دوم صورت پذیرفت بر اساس برخی از تعابیر مطرح شده در کتاب، شاهد مثال‌ها و جملات قاعده محور دیگر اندیشمندان علوم حدیث ارائه گردید.

بر این اساس و در راستای تکمیل بحث، جای خالی برخی از قواعد و روش‌های کشف روایات مجعول مشخص می‌گردد. این بخش از تحقیق، از طریق ذکر برخی از کاستی‌ها، به توسعه آراء مطرح شده در کلام وی می‌پردازد.

۱. اسرائیلیات و ترویج خرافات

یکی از قواعدی که تأسیس آن در تشخیص روایات مجعول بر اساس انگیزه‌های جعل، ضروری است، اهتمام به تشخیص اسرائیلیات در رابطه با امور تکوینی، پدیده‌های علمی و خرافات، از طریق شناخت راوی، و دقت در مضمون است. ورود بسیاری از اسرائیلیات توسط کعب الاحبار، ابوهریره و غیره، که احادیث فراوانی را در تبیین پدیده‌های علمی و مسائل متافیزیک و خارق العاده نقل نمودند و در کتب حدیث مصادیق فراوانی بیان شده است، ظن بر جعلی بودن این موضوعات را تقویت میکند (نک: ذهبی، ۱۴۱۳: ۳/۴۸۹-۹۰؛ محمود یونس و ذهبی، الإسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث، ۱۳۸۸: ۱/۴۹۲). مقایسه آموزه‌های دینی و پدیده‌های علمی قطعی ما را در شناخت روایات مجعول یاری می‌نماید. امور تکوینی و علمی قطعی که توسط حس و عقل درک می‌گردد اگر با آموزه‌های دینی در تعارض است باید طرد گردد. همچنین با بررسی و شناخت راویان اسرائیلیات و کتبی که در آن راستا نوشته شده است، می‌توان احادیث جعلی را شناسایی نمود (معرفت، ۱۳۸۴: ۲/۶۳۴-۶۳۵).

۱. فضیلت سوره‌های قرآن

قاعده دوم، توجه به نشانه‌های جعل، در روایات فضیلت سوره‌های قرآن و تشویق به قرائت آن است. تلاش فراوانی برای وضع بهانه ترغیب و تشویق به قرآن صورت پذیرفته است. به‌عنوان نمونه ابو عصمه از عکرمه روایاتی در فضائل قرآن و سور آن نقل می‌کند و توجیه او بر چنین عملی اعراض مردم از قرآن و اشتغال شان به فقه ابوحنیفه است (سیوطی، ۱۴۳۱: ۱/۴۳۵). بسیاری از احادیث پیرامون فضیلت قرآن و سوره‌های آن در مظان جعل واقع شده‌اند. ذکر این قاعده با قید غالبی بودن آن، منافات با پذیرش برخی از روایات صحیح در رابطه با فضیلت سور قرآن را نداشته، بلکه توجه بیشتر به پدیده جعل در این روایات مورد تاکید و مد نظر است.

۲. خلافت و مسائل سیاسی

از قواعد لازم، برای کشف روایات مجعول بر اساس انگیزه‌های جعل، شدت اهتمام به روایات بیانگر مسائل پیرامون خلافت است که بعضی از محققین، آن را از مهم‌ترین انگیزه‌های جعل حدیث شمرده‌اند. فضائل فراوانی در مورد حضرت علی و اهل بیت علیهم‌السلام از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم صادر شده است، که



کتب علوم حدیث عامه با رویکردی تند و خارج از اعتدال آنان را جعلی و به‌عنوان راه‌برد شیعیان و غالیان در مقابل مدح دیگر خلفا جلوه می‌دهند (دمینی، ۱۴۰۴: ۳۰ و ۳۱). از سوی دیگر، از همین فضائل منصوصه الگو گرفته و با همان تعبیر و گاه حتی بدون اندکی تصرف و اعمال خلاقیت، پیرامون دیگر خلفا به جعل احادیث پرداخته‌اند (غروی نائینی و بهادری، ۱۳۹۰: ۳۴).

۳. روایات زنادقه در مسائل اعتقادی

قاعده چهارم سوء ظن به روایات زنادقه است. پس از جدایی مردم از اهل بیت علیهم‌السلام و تعدد مرجعیت فکری، افرادی که سابقه کفر را داشته و در دل دشمنی با اسلام را می‌پرووراندند، با لباس اسلام و ظواهر دینی به جعل حدیث و گسترش آن در جامعه پرداختند. زنادقه افرادی هستند که در باطن کافراند و در ظاهر ابراز ایمان می‌نمایند (فیروز آبادی، ۱۹۹۷: ۳/۳۲۸) و قرآن و سنت را به‌صورت فاسد و منافی اصول عقیده اسلامی تأویل می‌نمایند (رفیعی محمدی، ۱۳۸۱: ۲۱). عمده حوزه فعالیت زنادقه مباحث مربوط به احکام عملی و امور اعتقادی است (مطر هاشمی، ۱۴۲۹: ۱۰۶).

مرتضی عسکری با تلاش و صف ناپذیر به معرفی ابعاد مختلف یکی از زنادقه معروف به نام سیف که روایات فراوانی را جعل نموده می‌پردازد (عسکری، ۱۳۸۹: ۱/۵۱-۵۶). به‌عنوان نمونه سیف با ترسیم جنگ‌های خونین در اسلام، جنگ طلب نشان دادن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و یارانش، ناتوان جلوه دادن اسلام در تسخیر قلوب، تمسخر وحی و معجزات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایات فراوانی را جعل نموده است و تصویر غیر واقعی از اسلام را به نمایش گذاشته (حسینی کاشانی، پدیده‌ی جعل از منظر علامه عسکری با تأکید بر کتاب «صد و پنجاه صحابی ساختگی»، ۱۳۹۴: ۸۷) و سبب شده است تا این احادیث مجعول منبعی ناصواب برای مطالعات و تحقیقات اسلام‌شناسان غیر مسلمان گردد (فلاته، ۱۴۰۱: ۱/۲۲۰).

مهم‌ترین راه شناخت احادیث غلات و زنادقه، بررسی و نقد محتوای احادیث است که توسط علماء فقه الحدیث به دقت دنبال شده است.

۲. روایات مدح و ذم بلاد، خوراکی‌ها و حرفه‌ها

از دیگر قواعد مهم در جعل احادیث، لزوم دقت فراوان در قبول روایات بیان‌گر افتخارات بلاد و قبائل اسلامی است. تفاخر برخی اقوام، فرهنگ سازی و توجیه فتوحات انبوه، قداست بخشیدن به پایگاه و مرکز حکومت، تقدیس اماکن دینی و ایجاد دوقطبی بیت المقدس، مکه کار را به وضع حدیث در رابطه با بلاد و شهرها کشانده است. در این رابطه روایات فراوانی در مدح و ذم شهرهایی همچون قزوین، نیشابور، بلاد روم، شامات و شهرهای مرزی جعل گردید (ابوریة، ۱۳۷۵: ۱/۱۸۱؛ شوکانی، ۱۴۰۷: ۱/۴۲۹).

اگر چه نمی توان به عنوان قاعده ای مطلق و دائمی گفته شود که مدح شهرها و ذم آن ها از مصادیق روایات مجعول است زیرا پیرامون برخی از شهرهای اسلامی همچون مدینه، مکه و قم روایات مدح کننده صحیحی وجود دارد و بسیاری از فقهاء نسبت به دلالت آن خدشه ای وارد نکردند. اما می توان به غیر از شهرهای اندک و معدود نامبرده که تواتر معنوی بر اثبات فضیلت و مدح آن ها وارد شده است، ادعا نمود که مدح و ذم شهرها مبنا، اصل و ریشه صحیحی ندارد و درصد بالایی از آن بر اساس روایاتی مجعول ترویج شده است. ملاعلی قاری می گوید هر حدیثی که در مدح و ذم بغداد، بصره، مرو، قزوین، عسقلان، اسکندریه و انطاکیه وجود دارد، دروغ است (قاری، ۱۴۰۶: ۴۵۵-۴۵۶). همچنین ابن قیم جوزی می گوید هر حدیثی که می گوید فلان شهر از شهرهای بهشت و یا جهنم است دروغ است (ابن قیم، ۱۳۹۰: ۱۱۷).

قاعده پنجم بیان می کند که به طور کل پیرامون روایات مربوط به شهرهای مختلف حتی شهرهای مذهبی مورد احترام شیعه، باید از انگیزه سیاسی و یا فرهنگی در رابطه با جعل روایات غافل نبود و اصل اولیه را مجعول بودن این روایات دانست و تنها در صورت تحقیق و احراز صحت، به آن ها ترتیب اثر بخشید. این توضیحات در مورد مجعول بودن روایات مدح و ذم اطعمه و اشربه، و حرفه و شغل ها نیز، عینا تطبیق می گردد و موجب پدید آمدن قاعده ششم در کشف روایات مجعول میگردد (فلاته، ۱۴۰۱: ۲۸۰/۱). مثلاً شخصی به نام محمد بن حجام لخمی حدیثی در مدح و تأثیر هریسه (نوعی حلیم) در افزایش توان جسمی جعل نمود، زیرا وی صاحب مغازه فروش هریسه بوده است (الخضر حسین، ۱۳۵۲: ۵۹/۱). همچنین روایات مجعول در مورد خیاطی، رنگ رزی، زرگری و... به مدح و ذم وارد شده است (فلاته، ۱۴۰۱: ۲۸۱/۱). در باب خوراک و آشامیدنی روایات فراوانی در مدح بطیخ (طالبی)، عدس، بادمجان، انار، انگور و دیگر از میوه ها و غذاها روایات فراوانی جعل شده است (همان).

۳. روایات طبی

قاعده هفتم، لزوم دقت در روایات طبی و به اصطلاح طب اسلامی است که بر صورت پذیرفتن فرایند درمان، صدور نسخه و دستور العمل درمانی از ائمه شیعیان علیهم السلام تکیه دارد، که این دست از روایات نیز از گزند پدیده جعل و روایات انبوه موضوع در امان نمانده است. بحث تفصیلی پیرامون کمیت روایات صحیح و مجعول در وادی طب اسلامی به پژوهش مستقلی نیاز دارد (میرحسینی و پاکتچی، ۱۳۹۷). اما قدر متقین نظرات موافقان و مخالفان، ارتباط روایات طبی با پدیده جعل را حکایت می نماید. محمد باقر بهبودی در رابطه با روایات طبی می گوید: رشته ای از احادیث جعلی در رشته طب، داروسازی و امثال آن در عهد عباسیان و کمی قبل تر جعل و رایج شده است.



با توجه به علم اجمالی نسبت به مجعول بودن بسیاری از روایات طبی، اولین قدم بررسی سندی دقیق و احراز صحّت سندی روایت است. همچنین پس از سند، تطابق دلالت روایت با عقل قطعی، مقاصد شریعت که از تعلیلات و عمومات منصوصه استفاده می‌گردد و دیگر ملاک‌های نقد متن حدیث، لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

۴. قصه‌پردازی و داستان‌ها

قاعده هشتم، تشکیک در روایات راویان قصاص است. برخی از افراد که از آنان در تاریخ با عنوان قصاص (قصه گو) تعبیر می‌گردد، با وضع احادیث و نقل مطالب عجیب، موجب جلب توجه عموم مردم و جذب آن‌ها به محتوای خرافی و غیر واقعی می‌شده‌اند. تأثیر قصه پردازان در جعل و انحراف حقیقت به گونه‌ای است که توده انبوه مردم را در گرد آنان جمع نمود و مردم آنان را بر علما برتری می‌دادند و در مقابل آنان، از قصه پردازان حمایت می‌کردند (سیوطی، ۱۳۹۴: ۱۶۱/۱).

یکی از نشانه‌های قصه پردازی در روایت این است که ماجرای در احادیث به اشخاص مختلف نسبت داده می‌شود و به تعبیری قهرمان داستان عوض می‌گردد (ایزدی و مظاهری طهرانی، ۱۳۹۴: ۴۱). بعضی محققین معتقدند، قصه و قصه پردازی در زمان پیامبر و خلفا نبوده و معاویه نقش پر رنگی در ترویج قصه و قصه پردازی و پدیده جعل در آن داشته است (ابوریة، ۱۳۷۵: ۱۲۸/۱). با شناخت راویان قصه‌گو و یا اشخاصی که در میان مردم با ذکر افسانه‌های عجیب به شهرت رسیده‌اند، می‌توان حکم به جعلی بودن قصه‌ها و افسانه‌های تاریخی نمود. البته برای شناخت روایات مجعول و داستان‌های جعلی علاوه بر شناخت راویان، می‌توان از نقد متنی و مغایرت محتوایی قصه‌های نقل شده، با نقل، عقل و مقاصد شریعت، یاری گرفت.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار به هدف بیان روش کشف روایات مجعول از میان روایات صحیح، با تکیه بر انگیزه‌های جعل، قواعدی به‌عنوان روش کشف روایات مجعول معرفی گردید. در ابتدا و در ضمن بخش اول، مجموعاً هفت عامل به‌عنوان انگیزه‌های جعل روایت احصاء گردید. همچنین در بخش پایانی قسمت اول به دو انگیزه دیگر که در کتاب تعارض الادله اشاره نرفته است، تبیین صورت گرفت. در بخش دوم، به‌طور مستقیم، به بیان قواعد کشف روایات مجعول بر اساس تقریرات سید علی سیستانی پرداخته شد و در قالب ۸ قاعده و قانون بیان گردید. در واپسین بخش این پژوهش، با برشماری سایر قواعد کشف روایات مجعول اشاره گردید که در این زمینه به هشت قاعده اشاره شد.



پیشنهاد: بحث روش‌شناسی کشف روایات مجعول نیازمند تکمیل و برداشتن گام‌های لازم دیگر است؛ در این نوشتار صرفاً به یک گام از مراحل کشف روایات مجعول یعنی انگیزه‌های جعل اشاره گردید و بایسته است پژوهش‌های بعدی در راستای کشف دیگر قواعد روایات مجعول قدم رو به جلویی بردارند. به‌طور مشخص گام‌های بعد، قواعد مربوط به سند، قواعد مربوط به متن و قواعد مربوط به حدیث شناس است.



فهرست منابع

۱. ابن اثیر، مبارک، جامع الاصول فی احادیث الرسول، مكتبة الحلواني، ۱۳۸۹ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۳. ابن جوزی، عبد الرحمن بن علی، الموضوعات، به کوشش: عبدالرحمن محمد عثمان، مدینه، محمد عبد المحسن صاحب المكتبة السلفية، ۱۳۸۶ق.
۴. ابن غضائری، احمد، رجال، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴ق.
۵. ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر المنار المنیف فی الصحیح والضعیف، حله: مكتبة المطبوعات الاسلامية، ۱۳۹۰ش.
۶. ابوریة، محمود اضواء علی السنة المحمدية، قم: مؤسسه انصاریان، ۱۳۷۵ش.
۷. امانی، زکیه، «احادیث ساختگی، تحلیل تاریخی، نمونه‌ها»، نقد کتاب قرآن و علوم دینی، سال دوم، ش ۸، ۱۳۹۵ش.
۸. امینی، عبدالحسین، الغدير فی الكتاب و السنة و الادب، تهران: مطبعة الحیدری، ۱۳۷۲ش.
۹. ایروانی، باقر، دروس تمهیدیه فی القواعد الرجالية، قم: مدين، ۱۴۳۱ق.
۱۰. ایزدی، مهدی و مظاهری طهرانی، بهاره، «علت در حدیث و موازین شناخت آن»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال دوازدهم، ش ۴، ۱۳۹۴ش.
۱۱. بهبودی، محمد باقر، «شناخت حدیث صحیح و احادیث جعلی شیعه»، ایگاه اینترنتی وبگاه آثار استاد محمد باقر بهبودی، <http://mbehboudi.org/dialogue/kayhan>، دسترسی در ۹۹/۹/۲۳.
۱۲. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
۱۳. حسینی کاشانی، فاطمه مرضیه، «پدیده جعل از منظر علامه عسکری با تأکید بر کتاب «صد و پنجاه صحابی ساختگی»»، نامه جامعه، سال دوازدهم، ش ۱۱۴، ۱۳۹۴ش.
۱۴. حوت، محمد بن محمد درویش، أسنى المطالب فی أحادیث مختلفة المراتب، به کوشش: مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
۱۵. خاموشی، مجید، «پالایش احادیث در عصر ائمه و پدیده جعل»، حدیث حوزه، ش ۲، ۱۳۹۰ش.

۱۶. الخضر حسين، محمد، «اسباب وضع الحديث»، بی جا، الهداية الاسلامية، ۱۳۵۲ق.
۱۷. دمينی، مسفر عزم الله، مقاييس نقد متون السنة، رياض، ۱۴۰۴ق.
۱۸. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
۱۹. ذهبی، محمد بن احمد، سير اعلام النبلاء، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ق.
۲۰. رفيعی محمدی، ناصر، «انگیزه دينی و فرهنگي در جعل حديث»، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامي، ش ۲، ۱۳۸۱ش.
۲۱. سبحانی، جعفر، کلیات فی علم الرجال، قم: مؤسسة النشر الاسلامي، ۱۳۷۷ش.
۲۲. سرشار، مژگان، «محمد باقر بهبودی و نقد و گزینش روایات»، کتاب ماه دين، ش ۱۳۹، ۱۳۸۸ش.
۲۳. سيستاني، علی، تعارض الادلة و اختلاف الحديث، تقرير سيد هاشم هاشمی، قم: انتشارات اسماعيليان، ۱۳۹۸ش.
۲۴. سيستاني، محمدرضا، وسائل المنع من الإنجاب (دراسة فقهية)، بيروت: دارالمؤرخ العربي، ۱۴۲۸ش.
۲۵. سيوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، تحذير الخواص من أكاذيب القصاص، بيروت: المكتب الاسلامي، ۱۳۹۴ش.
۲۶. سيوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، تدريب الراوی فی شرح تقريب النواوی، بيروت: دار ابن جوزی، ۱۴۳۱ق.
۲۷. سيوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، اللئالی المصنوعة فی الاحاديث الموضوعة، بيروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۳ق.
۲۸. شمشیری، رحيمه و جلالی، مهدی و رحمن ستایش، محمدکاظم، «زمينه های تضعيف يونس بن ظبيان»، علوم قرآن و حديث، ش ۱۰۳، ۱۳۹۸ش.
۲۹. شوشتری، محمدتقی، الاخبار الدخيلة، تهران: مكتبة الصدوق، ۱۳۸۴ش.
۳۰. شوکانی، محمد، الفوائد المجموعة فی الأحاديث الموضوعة، بيروت: المكتب الاسلامي، ۱۴۰۷ق.
۳۱. صاحب جواهر، محمد حسن، جواهر الكلام فی شرح شرائع الإسلام، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۴ق.
۳۲. صدر، موسی، «جعل و تحريف در روایات اسباب نزول»، پژوهش های قرآنی، سال اول، ش ۱، ۱۳۷۴ش.



۳۳. صدر، موسی، «جعل و تحریف در روایات اسباب نزول ۲»، پژوهش‌های قرآنی، سال اول، ش ۲، ۱۳۷۴ش.
۳۴. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمی قم، ۱۴۱۷ق.
۳۵. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ش.
۳۶. طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، به کوشش: محمد صادق ال بحر العلوم، نجف: المكتبة الرضویة، ۱۳۵۶ق.
۳۷. ظافر الاظفری، محمد، تحذیر المسلمین من الاحادیث الموضوعة علی سید المرسلین، دمشق: دار ابن کثیر، ۱۴۰۵ق.
۳۸. عبده، محمد، «کتب المغازی و احادیث القصاصین»، المنار، ش ۱۲۷، ۱۳۱۸ق.
۳۹. عجلونی، اسماعیل بن محمد، کشف الخفاء و مزیل الإلباس، بیروت: المكتبة العصرية، ۱۱۶۲ق.
۴۰. عسکری، مرتضی، خمسون و مائة صحابی مختلق، بغداد، منشورات كلية اصول الدين، ۱۳۸۹ق.
۴۱. غروی نائینی، نهله و بهادری، آتنا، «روش‌شناسی نقد علامه امینی (ره) بر احادیث موضوعه»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال چهل و چهارم، ش ۱، ۱۳۹۰ش.
۴۲. فلاته، عمر، الوضع فی الحدیث، دمشق، مكتبة الغزالی، ۱۴۰۱ق.
۴۳. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، سفر السعادة، به کوشش: أحمد عبدالرحیم السایح و عمر یوسف حمزه، قاهرة: مركز الكتاب للنشر، ۱۹۹۷م.
۴۴. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، بیروت: دارالکتب العلمیة و منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۵ق.
۴۵. قاری، ملاعلی، الاسرار المرفوعة فی الاحادیث الموضوعة، بیروت: المكتب الاسلامی، ۱۴۰۶ق.
۴۶. قهپایی، علی، مجمع الرجال، قم: اسماعیلیان، ۱۳۶۴ش.
۴۷. کریمی، محمود و طاووسی مسرور، سعید، «انگیزه‌های سیاسی در جعل روایات مدح و ذم بلاد»، دانش سیاسی، سال ششم، ش ۱۱، ۱۳۸۹ش.
۴۸. کشتی، محمد بن عمر، معرفة الرجال، مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۴۰۵ق.

۴۹. کلینی، محمد، الکافی، قم: دارالحدیث للطباعة والنشر، ۱۴۲۹ق.
۵۰. مامقانی، عبدالله، مقباس الهدایة فی علم الدراية، قم: مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۱ق.
۵۱. محقق حلی، جعفر، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
۵۲. محمود یونس، حسین و ذهبی، محمد، «الإسرائيليات فی التفسیر والحديث»، الازهر، جزء ۶، ۱۳۸۸ق.
۵۳. مدیر شانه چی، کاظم، علم الحديث، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲ش.
۵۴. مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۴۷ق.
۵۵. مطر هاشمی، علی حسن، «دراسة تحليلية فی أسباب وضع الأحاديث»، رسالة الثقلین، ش ۶۱، (۱۴۲۹ق).
۵۶. معرفت، محمد هادی، التفسیر و المفسرون، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۴ش.
۵۷. موصلی، احمد، المسند، به کوشش: حسین سلیم اسد، دمشق: دارالمأمون للتراث، ۱۴۰۷ق.
۵۸. مهریزی، مهدی و حسینی، سید محمد رضا، «موضوعات نگاری در شیعه، توصیف و تحلیل»، مجله علوم حدیث، ش ۶۹، ۱۳۹۲ش.
۵۹. میرحسینی، یحیی و پاکتچی، احمد، جستارهایی در اعتبار سنجی و فهم روایات طبی، تهران: طب سنتی ایران، ۱۳۹۷ش.
۶۰. نجاشی، احمد، رجال النجاشی، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ق.
۶۱. نووی، یحیی، التقریب و التیسیر لمعرفة سنن البشير النذیر فی أصول الحديث، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۵ق.